

تحلیل گونه‌های روایات تفسیری سوره صافات با تأکید بر تفسیر

نورالثقلین

مدینه امانی^۱، سمیه شکرینیا^۲

چکیده

روایات تفسیری یکی از منابع مهم وحی است که کارکردهای مختلفی دارد و از آنها به گونه‌شناسی یاد می‌شود. در بررسی‌هایی که به روش توصیفی-تحلیلی در روایات تفسیری ذیل سوره صافات در تفسیر نورالثقلین انجام شد، در مورد گونه‌های ناظر به ترسیم فضای نزول، بیان مصداق عام و خاص، شرح لغت، محتوای تفصیلی، بطون آیات و علت و حکمت آیه، روایاتی شناسایی و بررسی شد. برای گونه‌های ناظر به عام و خاص، مطلق و مقید و ناسخ و منسوخ، روایتی در تفسیر مذکور ذیل آیات سوره صافات یافت نشد.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی، روایات تفسیری، سوره صافات، تفسیر نورالثقلین.

۱. مقدمه

روایات بیان شده از معصومین علیهم‌السلام از جمله منابع مهم تفسیر قرآن کریم است که با انواع کارکردهای خود، تفسیر آیات را میسر می‌کنند. روایات تفسیری از روایاتی هستند که با پرداختن به بخشی از محور آیه، نقش تفسیری خود را ایفا می‌کنند. این کارکردها امروزه در علم تفسیر به صورت دسته‌بندی‌های اصولی و موضوع‌وار درآمدند که از آنها به گونه‌شناسی یاد می‌شود. این گونه‌ها در روایات به مواردی مانند تفصیل محتوای آیه، بیان شرح لغوی، بطون آیات، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، عام و خاص، علت و حکمت آیه، ترسیم فضای نزول و مصادیق عام و

۱. دکتری تفسیر و علوم قرآن، عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: m.amani2468@gmail.com

ORCID: 0000-0001-9460-8612

۲. دانش پژوه کارشناسی ارشد، رشته تفسیر و علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: s.shokri.1993@gmail.com

ORCID: 0009-0000-7969-6124

خاص تقسیم می‌شوند. مقاله حاضر درصدد بررسی این گونه‌ها در روایات تفسیری سوره صافات در تفسیر نورالثقلین نوشته عبدعلی عروسی حویزی و از تفاسیر روایی مهم شیعه است. روش مفسر در این تفسیر بدین صورت است که آیه را می‌آورد، سپس در صورتی که روایتی ذیل آن آیه یافته است آن را بدون توضیحی ذکر کرده است. همان‌طور که خود ایشان در مقدمه تفسیرش اشاره کرده است، هدفش گردآوری تفسیری روایی بوده است. (استادی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸)

این تفسیر مورد علاقه عالمان بسیاری از جمله علامه طباطبایی است. ایشان یکی از علل این علاقه را اشاره حویزی به وجود اخبار معارض در تفسیرش و دعوت به تحقیق بیان کرده است. (معارف، ۱۳۸۸، ص ۳۹۶) در پرسش از علت‌گزینش سوره صافات می‌توان گفت که این سوره نیز همانند سایر سوره‌های قرآن کریم که برای بهره‌مندی هرچه بهتر از مفاهیم والای آنها نیاز به بررسی دارند، این سوره نیز مستثنا نیست. مؤید این مطلب، روایاتی است که از معصومین علیهم‌السلام در فضیلت این سوره بیان شده است. تعداد روایات مفسر در ذیل آیات سوره صافات حدود صدوسی‌وهشت روایت است. تاکنون در نوشته‌های بسیاری در قالب مقاله، پایان‌نامه و کتاب مطالبی در مورد گونه‌شناسی آیات بیان شده است. مانند پایان‌نامه زهرا کارآزمایگدر باعنوان گونه‌شناسی و بررسی سندی روایات تفسیری سوره واقعه و آموزه‌های هدایتی آن که به بررسی سندی و محتوایی روایات وارد شده در مورد سوره واقعه پرداخته و آموزه‌های هدایتی آن را هم استخراج کرده است. همچنین مقاله روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجت نوشته مهدی مهریزی به مفهوم‌شناسی عبارت روایت تفسیری، سیر کتب تفسیر روایی شیعه و سپس تعاریف گونه‌های تفسیری، ایضاح لفظی، ترسیم فضای نزول، ایضاح مفهومی، بیان مصداق، بیان لایه‌های معنایی، بیان حکمت و علت آیه و موارد دیگر با ذکر نمونه پرداخته است. پایان‌نامه گونه‌شناسی روایات تفسیری سوره هود و آموزه‌های تربیتی آن از زینب معصومی نیز گونه‌های روایی را بررسی نموده است.

اگرچه در مورد گونه‌شناسی روایات تفسیری سور مختلف تاکنون نوشته‌های بسیاری تدوین شده است، پژوهشی در مورد تحلیل گونه‌های روایات تفسیری سوره صافات در تفسیر

ذکر شده، تاکنون انجام نشده است. نوآوری نوشتار حاضر این است که ابتدا به نمونه‌هایی از روایات ناظر به گونه‌های ترسیم فضای نزول و بیان مصداق عام و خاص، سپس گونه‌های ایضاح مفهومی شامل شرح لغت و تفصیل محتوای آیه، سپس گونه‌های ناظر به لایه‌های معنایی شامل بطون آیات و علت و حکمت آیه اشاره می‌کند تا بدین وسیله چگونگی فهم بهتر آیه با این گونه‌ها آشکار شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. روایت

روایت در لغت از عبارت رَوَى به معنای نقل کردن حدیث یا سخن (اتابکی، ۱۳۹۱، ۱/۱۴۰۶) و در اصطلاح علمی، خبری است که به شیوه نقل از ناقلی به ناقل دیگر به گفته یا سخنی از نبی اکرم ﷺ و یا امام منتهی می‌شود (طریحی، ۱۳۶۲، ۱/۱۹۹).

۲-۲. روایت تفسیری

به روایتی که به شأنی از شئون آیه پرداخته است روایت تفسیری می‌گویند. در تعریفی جامع‌تر آمده است که روایت تفسیری، روایتی است که بخشی از آیه در آن ذکر شده باشد یا به بیان مراد خداوند بدون آوردن خود آیه اشاره کرده باشد و زمینه را برای فهم آیه‌ای خاص فراهم کرده باشد. (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۷)

۲-۳. گونه‌شناسی

گونه‌شناسی در اصطلاح روایی-تفسیری به معنای دسته‌بندی موضوع وار و اصولی کارکردهای روایات تفسیری یا تبیین معرفت و شناختی که روایت از محوری از آیه می‌دهد، آمده است. (سیدناری، ۱۳۹۷، ص ۵۰)

۳. معرفی سوره صافات

سوره صافات مکی است و صدو هشتاد و دو آیه دارد. (طباطبایی، ۱۳۵۱-۱۳۵۲، ۱۷/۱۷۸) این سوره نخستین سوره از قرآن مجید است که اولین آیات آن با سوگندها شروع می‌شود. سوگندهایی

پرمعنا و اندیشه‌انگیز، سوگندهایی که فکر انسان را همراه خود به جوانب مختلف این جهان می‌کشاند و آمادگی پذیرش حقایق را می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۷/۱۹). تنها نام این سوره صفات است. این نام از آیه اول این سوره گرفته شده است که خدا به صف‌کشیدگان یعنی، فرشتگان صف‌کشیده یا مجاهدان یا نمازگزاران صف‌کشیده سوگند یاد کرده است. آیات این سوره، کوتاه است و سرعت، آهنگ و کثرت عرصه‌ها و چشم‌اندازهای آن پر از داستان‌های پیامبران است و با اهدافی مانند نفی شرک و یادآوری توحید، قیامت و سرگذشت پیامبران به صورت فشرده و مؤثر نازل شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، ۲۰۳/۱۷).

۴. گونه‌های روایی ناظر به ترسیم فضای نزول

به مجموعه پرسش‌ها یا رویدادهایی که به دنبال آنها آیه‌ای نازل شده است اسباب نزول و به روایاتی که حاوی اسباب نزول هستند روایات بیانگر فضای نزول آیات می‌گویند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷) در بحث تفاوت سبب نزول و شأن نزول که معانی نزدیک به هم دارند نیز این تفاوت قابل ذکر است که سبب نزول، انگیزه و هدف دارد که شامل همان سؤال یا حادثه است، ولی شأن نزول از اموری است که به صورت کلی، آیه در مورد آن نازل می‌شود مانند سرگذشت پیشینیان یا اخبار حال و گذشته (معرفت، ۱۳۹۱، ۳۰۲/۱). در میان روایات تفسیری موجود در تفسیر نورالثقلین، دو روایت در مورد ترسیم فضای نزول وارد شده است. یک روایت ذیل آیات ۱۶۷ تا ۱۷۰ و یک روایت ذیل آیات ۶۲ و ۶۳.

روایت زیر، ذیل آیه «أَذَلِكْ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الرَّقُومِ، إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِثْنَةً لِلظَّالِمِينَ؛ آیا این نعمت‌های جاویدان بهشت بهتر است یا درخت (نفرت‌انگیز) زقوم. ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم» (صفات: ۶۲ و ۶۳) بیان شده است. در این روایت آمده است: «رُوي أَنَّ قُرَيْشًا لَمَّا سَمِعَتْ هَذِهِ الْآيَةَ، قَالَتْ: مَا نَعْرِفُ هَذِهِ الشَّجَرَةَ، قَالَ ابْنُ الزَّبْعَرِيِّ: الزَّقُومُ بِلَاكَمِ الْبَرْبَرِ التَّمْرِ وَالزَّبْدِ، وَفِي رِوَايَةٍ بِلُغَةِ الْيَمَنِ، فَقَالَ أَبُو جَهْلٍ لِحَارِيتِهِ: يَا جَارِيَةُ زَقْمِينَا فَأَتَتْهُ الْجَارِيَةُ بِتَمْرٍ وَزُبْدٍ، فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: تَزَقَّمُوا بِهَذَا الَّذِي يَخَوْفُكُمْ بِهِ مُحَمَّدٌ فَيَزِعُكُمْ أَنَّ النَّارَ تُنْبِتُ الشَّجَرَ، وَالنَّارُ تُحْرِقُ

الشَّجَرِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ؛ زمانی که قریش این آیه را شنیدند، گفتند ما این درخت را نمی‌شناسیم. ابن‌الزبیری یکی از سرکردگان قریش گفت: زقوم در زبان بربر به معنای خرما و سرشیر مخلوط است و در این مورد آورده‌اند که ابوجهل به کنیز خود گفت: ای کنیز! برای ما خرما و سرشیر بیار و آن کنیز خرما و سرشیر آورد و ابوجهل به دوستانش گفت: به چیزی که محمد، شما را از آن می‌ترساند ناشتایی کنید و افزود که او گمان می‌کند که از آتش دوزخ درخت می‌روید و این درحالی است که آتش، درخت را می‌سوزاند، پس خداوند سبحان آیه "إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ" را نازل کرد» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۰۴).

این روایت پس از ابهامی که در مورد معنای زقوم در میان افراد رخ داده بود و آنها معنای دیگری از آن برداشت کرده بودند، نازل شد و احتمال خطایی که در فهم معنای آن وجود داشت را برطرف کرد. روایت دیگری که بیانگر فضای نزول آیات است ذیل آیات «وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ، لَوْ أَنْ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأُولِينَ، لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ، فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (صافات: ۱۶۷-۱۷۰) بدین شرح است: «وَفِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِهِ: وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ لَوْ أَنْ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأُولِينَ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ فَهُمْ كَفَرُوا قُرَيْشٍ كَانُوا يَقُولُونَ لَوْ أَنْ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأُولِينَ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: فَكَفَرُوا بِهِ حِينَ جَاءَهُمْ مُحَمَّدٌ ص يَقُولُ اللَّهُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ فَقَالَ جَبْرِئِيلُ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ؛ در روایت ابی‌جارود از امام باقر ع در قول خداوند در مورد این آیات آمده است: کسانی که می‌گفتند اگر ذکر در نزد ما بود ما از بندگان مخلص خدا می‌گشتیم، پس آنها کفار قریش بودند که این سخنان را می‌گفتند، پس فرمود: خداوند عزوجل پس کفر ورزیدند به آن، زمانی که حضرت محمد ص آمد، سپس خداوند می‌فرماید: آنها خواهند دید، پس جبرئیل به حضرت محمد ص فرمود: ای محمد! همانا ما صف‌بستگانیم و ما تسبیح‌کنندگانیم» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۰۲).

در این روایت، سخن از کفار قریش است که پیش از بعثت رسول اکرم ص می‌گفتند: «اگر نزد ما ذکر یا کتابی همچون کتاب پیشینیان یعنی، انجیل و تورات بود ما به آن پایبند و مخلص

بودیم، بدین معنا که ایمان می‌آوردیم»، ولی بعد از بعثت رسول اکرم ﷺ که همراه با کتاب قرآن آمد و آنها را به یکتاپرستی و اسلام دعوت کرد آنها ایشان را انکار کردند و کفر ورزیدند. اینجا بود که این آیات در شأن آنها نازل شد و آنها را تهدید کرد به اینکه عاقبت کفرشان را خواهند دید.

۵. گونه‌های روایی ناظر به بیان مصداق

از جمله گونه‌هایی که روایات قابل توجهی بدان اختصاص یافته است روایات بیانگر مصداق آیه است. این روایات، فردی از موارد مطلق و یا معنایی از معانی عام را ذکر می‌کند که گاهی این مصداق عام و گاهی خاص است و با توجه به اغراض گوناگون بیان می‌شود.

۵-۱. مصادیق عام

مصادیق عام از مصادیقی است که آیه منحصر به آن نیست و فقط مصداقی در کنار سایر مصادیق است که اهمیت هرکدام از آنها در مقابل هم یکسان می‌باشد. (میثاقی، ۱۳۹۰) در میان روایات تفسیری آیات سوره صافات در تفسیر نورالثقلین، یک روایت بیانگر مصداق عام تشخیص داده شد. ذیل آیه «وَقَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مَسْئُولُونَ؛ آنها را متوقف سازید که باید بازپرسی شوند» (صافات: ۲۴) از امام علی علیه السلام آمده است: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ؛ از خدا بترسید درباره بندگان او و سرزمین‌هایش؛ زیرا شما حتی نسبت به قطعه‌های زمین‌ها و چارپایان نیز باید پاسخ‌گو باشید» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۰۲). در این روایت، چند موردی که بیان شده است مصادیق عامی است که در روز قیامت از انسان‌ها سؤال می‌شود.

۵-۲. مصادیق خاص

مصادیق خاص، مصادیقی است که به صورت خاص و یا ویژه در نظر گرفته می‌شوند و اهمیت آنها از مصادیق عام بیش‌تر است. در این تفسیر، پنج روایت ذیل آیه ۲۴، یک روایت ذیل آیه ۸۸، هشت روایت ذیل آیه ۱۰۷، دو روایت ذیل آیه ۱۰۸، یک روایت ذیل آیه ۱۳۰، یک روایت ذیل آیه ۱۶۴

و یک روایت ذیل آیه ۱۶۵ و ۱۶۶ به بیان مصادیق خاص پرداخته است که در مجموع نوزده روایت را در این تفسیر دربرمی‌گیرد. چند نمونه از آیات عبارتند از:

روایت بیانگر مصداق خاص ذیل آیه ۲۴ این سوره که می‌فرماید: «وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ؛ آنها را متوقف سازید که باید بازرسی شوند» بدین صورت است: «وَعَزَّ رَبِّي إِنَّ جَمِيعَ أُمَّتِي لَمَوْقُوفُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَسْئُولُونَ عَنْ وَاٰلِيَّتِهِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ قَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ؛ به عزت پروردگارم قسم که همانا تمام امت من در روز قیامت جمع می‌شوند و متوقف می‌شوند و مورد سؤال قرار می‌گیرند از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و این سخن خداوند عزوجل است که می‌فرماید: متوقف سازید آنها را که مسئولند» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۰۱). این روایت به‌طور مستقیم به مورد یا مصداق خاصی که در روز قیامت مورد سؤال همگان واقع می‌شود و آن ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است، اشاره می‌کند؛

- در روایت بیانگر مصداق خاص ذیل آیه «فَتَنْظَرُ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ؛ سپس او نگاهی به ستارگان افکند» (صافات: ۸۸) آمده است: «سُئِلَ عَنِ النُّجُومِ؟ فَقَالَ: مَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَهْلُ بَيْتِ مَنْ الْعَرَبِ وَ أَهْلُ بَيْتِ مَنْ الْهِنْدِ؛ از امام صادق علیه السلام در مورد علم نجوم سؤال شد و حضرت فرمود: نمی‌داند آن را کسی جز خاندانی از عرب و خاندانی از هند» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۱۰). در این روایت امام علیه السلام تنها دو خاندان عرب و هند را به اطلاع از دانش نجوم منحصر می‌کند؛

- روایت بیانگر مصداق خاص ذیل آیه «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ؛ ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم» (صافات: ۱۰۷) بدین صورت است: «فِي كِتَابِ التَّوْحِيدِ وَقَدْ رَوَى مِنْ طَرِيقِ أَبِي الْحُسَيْنِ الْأَسَدِيِّ رحمته الله فِي ذَلِكَ شَيْءٍ غَرِيبٌ وَ وَهُوَ أَنَّهُ رَوَى أَنَّ الصَّادِقَ علیه السلام قَالَ: مَا بَدَأَ اللَّهُ بِدَاءٍ كَمَا بَدَأَ لَهُ فِي إِسْمَاعِيلَ إِذْ أَمَرَ أَبَاهُ بِذَبْحِهِ ثُمَّ فَدَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ؛ و از طریق ابوالحسن اسدی در کتاب توحید روایت شده است که در آن، چیز عجیب است و آن اینکه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: بدائی نشد برای خدا آن چنان که در مورد اسماعیل بداء شد زمانی که امر کرد پدرش را به ذبحش. سپس او را به ذبح عظیمی که در ظاهر، همان گوسفند بهشت است بازخرد و فدافرستاد» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۲۰). در این آیه مصداق خاص ذبح عظیم همان گوسفند

بهشتی است که در ازای حضرت اسماعیل علیه السلام فرستاده شد که ذبح شود و حضرت علیه السلام از ذبح نجات یابد؛

- در روایت بیانگر مصداق خاص ذیل آیه «سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ؛ سلام بر آل یاسین» (صافات: ۱۳۰) آمده است: «فِی کِتَابِ مَعَانِی الْاَخْبَارِ بِاِسْنَادِهِ اِلٰی قَادِحِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ اَبِيهِ عَنْ اَبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام فِی قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ: سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَس، قَالَ: یَس مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله وَ نَحْنُ آلُ یَس؛ در کتاب معانی الاخبار به استنادش به قادح از امام صادق علیه السلام جعفر بن محمد از پدرش از پدراناش از علی علیه السلام در قول خداوند عزوجل که می فرماید: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَس» می فرماید: یَس، محمد صلی الله علیه و آله است و ما آل یَس هستیم» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق.، ۴/۴۳۲). در این روایت نیز مصداق خاص عبارت آل یاسین، خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی شده است؛

- در روایتی ذیل آیه «وَ اِنَّا لَنَحْنُ الصّٰفُّوْنَ. وَ اِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُوْنَ؛ و همانا ما [برای اجرای فرمان خدا] صافبستگانیم و ما خود تسبیح کنندگانیم» (صافات: ۱۶۵ - ۱۶۶) آمده است: «عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: سَمِعْتُ الصّٰدِقَ علیه السلام یَقُولُ: یَا شَهَابُ نَحْنُ شَجَرَةُ التُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ نَحْنُ عَهْدُ اللّٰهِ وَ ذِمَّتُهُ، وَ نَحْنُ وُدُّ اللّٰهِ وَ حُجَّتُهُ، كُنَّا اَنْوَارًا صُفُوفاً حَوْلَ الْعَرْشِ نُسَبِّحُ، فَسَبَّحَ اَهْلُ السَّمَاءِ بِتَسْبِيحِنَا اِلٰی اَنْ هَبَطْنَا اِلَى الْاَرْضِ، فَسَبَّحْنَا فَسَبَّحَ اَهْلُ الْاَرْضِ بِتَسْبِيحِنَا وَ اِنَّا لَنَحْنُ الصّٰفُّوْنَ وَ اِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُوْنَ فَمَنْ وَفَى بِذِمَّتِنَا فَقَدْ وَفَى بِعَهْدِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ وَ ذِمَّتِهِ، وَ مَنْ خَفَرَ ذِمَّتَنَا فَقَدْ خَفَرَ ذِمَّةَ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ وَ عَهْدَهُ؛ از شهاب بن عبد ربه نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمود: ای شهاب! ما درخت نبوت و معدن رسالت و جایگاه رفت و آمد ملائکه ایم و ما عهد خدا ایم و ما امانت خدا و حجت اویم. ما نورهایی گرداگرد عرش صف زده ایم که تسبیح خدا می کنیم و ملائکه با تسبیح ما تسبیح خدا می گویند تا اینکه فرود آمدیم بر روی زمین و تسبیح خدا را گفتیم و اهل زمین با تسبیح ما تسبیح کردند و به راستی ما صافبستگانیم و ما تسبیح کنندگانیم، پس هرکس به عهد ما وفا کرد، پس به عهد خدا وفا کرده

است» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۳۹). روایت فوق نیز به مصادیق خاص «مسخون» و «صافون» اشاره دارد که اهل بیت علیهم السلام از این مصادیق است.

۶. گونه‌های روایی ناظر به ابیضاح مفهومی آیات

در میان روایات تفسیری، برخی روایات، محتوای آیات را توضیح داده و تبیین می‌کند. این توضیح یا از راه شرح لغت و یا از راه تفصیل محتوای آیه صورت می‌گیرد. در مواردی هم روایات در مقام بیان عام و خاص آیات، مطلق و مقید آیات و ناسخ و منسوخ آیات است.

۶-۱. روایات بیانگر شرح لغت

برخی روایات به شرح معانی لغاتی از آیه می‌پردازند که معنای آن بر مخاطب مبهم است و یا ممکن است از آن معنای دیگری توسط مخاطب برداشت شود. در میان روایات تفسیری تفسیر نورالثقلین ذیل آیه ۹ یک روایت، آیه ۲۳ یک روایت و آیه ۵۵ یک روایت به بیان شرح لغت پرداخته‌اند که در مجموع، سه روایت به این‌گونه اختصاص داده شده است که به ذکر دو مورد اکتفا می‌شود:

روایت زیر نمونه‌ای از شرح لغت در روایت است که ذیل آیه «فَأَطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ؛ پس خود او به دوزخ سر می‌کشد و همنشینش را وسط دوزخ می‌بیند» (صافات: ۵۵) از امام باقر علیه السلام حول تفسیر این آیه آمده است: «فِي وَسْطِ الْجَحِيمِ؛ یعنی در وسط جهنم» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۰۳). در این روایت، امام علیه السلام کلمه جحیم را به جهنم یا همان دوزخ معنا کرده است؛

در روایتی از ابی جارود ذیل آیه «دُحُورًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ؛ باشدت به دور رانده می‌شوند و برایشان عذابی دائم است» (صافات: ۹) آمده است: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: عَذَابٌ وَاصِبٌ أَيْ دَائِمٌ مُوجِعٌ قَدْ وَصَلَ إِلَى قُلُوبِهِمْ؛ از امام باقر علیه السلام آمده است که می‌فرماید: عَذَابٌ وَاصِبٌ؛ یعنی عذابی دردآور و همیشگی که به قلب‌هایشان راه یافته است» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۰۰). در

این حدیث که کلمه واصب بر مخاطب مبهم است امام باقر علیه السلام معنای لغت را آشکار می‌کند و به معنای عذاب دردآور دائمی که به قلب‌هایشان راه یافته است، تعبیر می‌کند.

۶-۲. روایات بیانگر محتوای تفصیلی

از گونه‌هایی که حجم بسیاری از روایات را به خود اختصاص داده است روایاتی است که با شرح، توضیح و تبیین مسائل و موضوعات موجود در آیات، محتوای تفصیلی آیات را بیان می‌کند. در تفسیر نورالثقلین، یک روایت ذیل آیه ۶، یک روایت ذیل آیه ۱۰، یک روایت ذیل آیه ۴۱ و ۴۲، یک روایت ذیل آیه ۵۳، یک روایت ذیل آیات ۵۸ تا ۶۱، دو روایت ذیل آیات ۶۲ تا ۷۵، یک روایت ذیل آیه ۷۷، یک روایت ذیل آیه ۷۸، یک روایت ذیل آیه ۸۳، پانزده روایت ذیل آیه ۸۸، شش روایت ذیل آیه ۸۹، در حدود شانزده روایت ذیل آیه ۱۰۱، چهارده روایت ذیل آیه ۱۰۷، یک روایت ذیل آیات ۷۹، ۱۰۹، ۱۲۰ و ۱۳۰، یک روایت ذیل آیه ۱۳۷ و ۱۳۸، دو روایت ذیل آیه ۱۴۰ تا ۱۴۳، پنج روایت ذیل آیه ۱۴۱، دو روایت ذیل آیه ۱۴۲ تا ۱۴۵، یک روایت ذیل آیه ۱۴۶، سه روایت ذیل آیه ۱۴۷، سه روایت ذیل آیه ۱۶۵ و ۱۶۶ و چهار روایت ذیل آیه ۱۸۰ به تفصیل محتوای آیه پرداخته است که در مجموع حدود هشتاد و چهار روایت است. برخی از روایات‌ها عبارتند از:

- نمونه‌ای از روایت بیانگر محتوای تفصیلی ذیل آیه ۶ سوره صافات: «إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزَيْنَةِ الْكَوَاكِبِ؛ همانا ما آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم» به صورت زیر است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِنَّ هَذِهِ النُّجُومَ الَّتِي فِي السَّمَاءِ مَدَائِنٌ مِثْلُ الْمَدَائِنِ الَّتِي فِي الْأَرْضِ مَرْبُوطَةٌ كُلُّ بَعْمُودٍ مِنْ نُورٍ، طُولُ ذَلِكَ الْعَمُودِ فِي السَّمَاءِ مَسِيرَةُ مَائَتَيْنِ وَخَمْسِينَ سَنَةً؛ از امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام آمده است که فرمود: این ستارگانی که در آسمان هست شهرهایی است همانند شهرهای زمین که هر شهری با عمودی از نور به دیگری مرتبط است و طول هر عمود در آسمان به اندازه‌ی مسیری است که در دویست و پنجاه سال پیموده شود» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۰۰). در این روایت، امام علیه السلام با ذکر شباهت‌های ملموس زمینی برای

مخاطب، آسمان و ستارگان آن را توصیف می‌کند و از مباحث موجود در آیه پرده برمی‌دارد و این‌گونه بخشی از مراد آیه را تفصیل می‌کند:

- در روایت دیگری ذیل آیه «فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ؛ و گفتم من بیمارم» (صافات: ۸۹) آمده است: «فِي كِتَابِ مَعَانِي الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى صَالِحِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: إِنِّي سَقِيمٌ فَقَالَ: مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ سَقِيمًا وَمَا كَذَبَ إِنَّمَا عَنَى سَقِيمًا فِي دِينِهِ مُرْتَدًّا؛ امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم ابراهیم علیه السلام مریض نبود، اما دروغ هم نگفته بود. همانا او از بیمار، شک در دین را اراده کرده بود» (حویزی، ۱۴۱۵ ه.ق، ۴/۴۰۶). این روایت، توضیح مختصری در مورد سقیم که به معنای بیمار است، می‌دهد. برخلاف ظاهر کلمه، مقصود از بیمار، شک در دین است نه بیماری ظاهری.

- در روایت دیگری ذیل آیه «إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ. فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ. فَالْتَمَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ. فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ؛ به خاطر بیاور زمانی را که به سوی کشتی مملو (از جمعیت و بار) فرار کرد و با آنها قرعه افکند (و قرعه به نام او اصابت کرد و) مغلوب شد (او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، درحالی که مستحق ملامت بود و اگر او از تسبیح‌کنندگان نبود» (صافات: ۱۴۰ تا ۱۴۳) آمده است: «فِي رَوْضَةِ الْكَافِي فِي رِسَالَةِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى سَعْدِ الْخَيْرِ يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النَّبِيَّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ كَانَ يَسْتَكْمِلُ الطَّاعَةَ، ثُمَّ يَعْصِي اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي الْبَابِ الْوَالِدِ فَيُخْرِجُ بِهِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ يَنْبُدُّ بِهِ فِي بَطْنِ الْحُوتِ، ثُمَّ لَا يَنْجِيهِ إِلَّا الْإِعْتِرَافُ وَ التَّوْبَةُ؛ در روضه کافی در رساله امام باقر علیه السلام به سعد الخير، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: همانا يك پیامبر خدا به حد کمال می‌رسانید طاعت و عبادت خدا را، سپس نافرمانی می‌کرد خداوند تبارک را در يك زمینه و به سبب همین نافرمانی از بهشت رانده می‌شد و در شکم ماهی افکنده یا زندانی می‌گشت و برای او راه نجاتی نبود مگر اعتراف و توبه» (حویزی، ۱۴۱۵ ه.ق، ۴/۴۳۳).

در تفسیر آیه مورد نظر، روایت فوق به عذاب‌های نافرمانی یک پیامبر در مقام خود اشاره دارد که از جمله آن، عذاب حضرت یونس علیه السلام است که اگرچه ایشان گناه کبیره یا صغیره‌ای مرتکب نشده است، ولی در جایگاه بزرگ پیامبری خود، ملول شدن و غضبناک شدن از امت

نافرمان و رها کردن آنها به حال خودشان، گونه‌ای از نافرمانی و مستوجب عذاب الهی در نوع خود است.

- در روایت دیگری ذیل آیه «وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ؛ و کدوئی بر او رویاندیم (تا در سایه برگ‌های پهن و مرطوبش آرامش یابد)» (صافات: ۱۴۶) آمده است: «وَفِيهِ عَن عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدِيثٌ طَوِيلٌ يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي آخِرِهِ: وَأَمَرَ اللَّهُ الْخُوتَ أَنْ يُلْفِظَهُ فَلَفَظَهُ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ، وَ قَدْ ذَهَبَ جِلْدُهُ وَ لَحْمُهُ، وَأَنْبَتَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ وَ هِيَ الدُّبَاءُ فَأَظْلَمَتْهُ مِنَ الشَّمْسِ، ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ الشَّجَرَةَ فَتَنَحَّحَتْ عَنْهُ وَ وَقَعَتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ فَجَزَعُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: يَا يُونُسُ لِمَ لَمْ تَرْحَمْ مِائَةَ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَ أَنْتَ تَجَزَعُ مِنْ تَأْلَمِ سَاعَةٍ؟ فَقَالَ: يَا رَبِّ عَفْوُكَ عَفْوُكَ، فَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَدَنَهُ وَ رَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ وَ آمَنُوا بِهِ؛ از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ حدیثی طولانی نقل شده است که در آخرش آمده است: به نهنگ امر کرد تا او را در ساحل دریا بیافکند چون در اثر ماندن در شکم نهنگ گوشت و پوست بدنش از بین رفته بود، پس خداوند رویاند برای او درخت کدورا بالای سرش تا او را از نور خورشید حفظ کند و او آرامش پیدا کرد، سپس خداوند دستور داد تا درخت از او دور شود و نور خورشید بر بدنش بتابد، ناگهان یونس فریاد و ناله کرد، سپس خداوند به یونس وحی نمود: ای یونس، چرا به صد هزار نفر قوم خود رحم نکردی، آن گاه از تابش لحظه‌ای نور خورشید دچار جزع و فزع شدی. حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: پروردگارا مرا ببخش و عفو کن. آن گاه خداوند برگرداند سلامتی را به بدن او و بازگشت به سمت قوم خود و آنها به او ایمان آوردند». (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۳۶) در این روایت، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ توضیحاتی در مورد جریان حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌دهد و سرانجام این ماجرا را بیان می‌کند و اینکه با توجه به نکته آیه که سخن از تغذیه ایشان از کدو به میان آورده است درخت کدو در بهبود مشکل حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَامُ که پس از این حادثه دچار آسیب شده بود تأثیر شگرفی داشته است و انتخاب این درخت برای منبع تغذیه ایشان نشانه حکمت و علم و تدبیر خداوند است.

۷. گونه‌های روایی ناظر به لایه‌های معنایی

در میان روایات تفسیری، روایاتی است که به لایه‌های معنایی و رای معنای ظاهری اشاره دارند که روایات این گونه‌ها به دو صورت است: یا روایاتی است که بیان‌گر بطون آیات می‌باشد و یا روایاتی است که حکمت و علت حکم آیه را بیان می‌کند.

۱-۷. روایات بیانگر بطون آیات

در مورد آیات قرآن علاوه بر معانی ظاهری، معانی دیگری وجود دارد که برخلاف معانی ظاهری است و خبر از لایه‌های باطنی و پنهانی می‌دهد که با نگاه سطحی نمی‌توان بدان دست‌یافت و فقط معصوم قادر به فهم آن است. به روایاتی از معصومین علیهم‌السلام نیز که بدین‌گونه معانی اشاره دارند روایات بیان‌گر لایه‌های معنایی می‌گویند. حدود روایاتی که به این‌گونه اختصاص دارند در تفسیر نورالثقلین ۲۹ روایت است که ذیل آیه ۱۱ یک روایت، آیه ۵۸ تا ۶۱ یک روایت، آیه ۶۲ تا ۷۳ دو روایت، آیه ۷۷ و ۷۸ یک روایت، آیه ۸۸ چهار روایت، آیه ۸۹ دو روایت، آیه ۹۹ یک روایت، آیه ۱۰۷ دو روایت، آیه ۱۳۰ دو روایت، آیه ۱۳۷ و ۱۳۸ یک روایت، آیه ۱۴۰ تا ۱۴۷ هشت روایت، آیه ۱۶۵ و ۱۶۶ یک روایت و آیه ۱۸۰ دو روایت آمده است.

برای مثال ذیل آیه ۹۹ سوره صافات: «وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ»؛ و [ابراهیم] گفت من به سوی پروردگارم رهسپارم زودا که مرا راه نماید»، این روایت آمده است: «فِي كِتَابِ التَّوْحِيدِ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام حَدِيثٌ طَوِيلٌ يَقُولُ فِيهِ عليه السلام وَ قَدْ سَأَلَهُ رَجُلٌ عَمَّا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ مِنَ الْآيَاتِ: وَ قَدْ أَعْلَمْتُكَ أَنَّ رَبَّ شَيْءٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ تَأْوِيلُهُ غَيْرُ تَنْزِيلِهِ وَ لَا يَشْبَهُهُ كَلَامَ الْبَشَرِ وَ سَأَلْتُهُ بِطَرْفٍ مِنْهُ فَتَكْتَفِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ، مِنْ ذَلِكَ قَوْلُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام: «إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ» فَذَاهَابُهُ إِلَىٰ رَبِّهِ بَوَجْهِهِ [تَوَجُّهُهُ] إِلَيْهِ عِبَادَةً وَ اجْتِهَادًا وَ قُرْبَةً إِلَىٰ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَلَا تَرَىٰ أَنَّ تَأْوِيلَهُ غَيْرُ تَنْزِيلِهِ؛ در کتاب توحید از امیرالمؤمنین عليه السلام حدیثی طولانی وارد شده است در پاسخ به مردی که آیه‌ای بر او مشتبه شده بود. امام عليه السلام می‌فرماید: برخی از آیات کتاب خداوند عزوجل، تأویلشان غیر از تنزیلشان است و مانند کلام بشر تأویل نمی‌شود. مثالی می‌زنم برای تو انشاءالله کفایت می‌کند تو را و آن سخن ابراهیم عليه السلام است که فرمود: «إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ» یعنی،

به درستی که من رونده ام به سوی پروردگار خود به زودی مرا راه راست هدایت خواهد نمود، پس رفتن آن حضرت به سوی پروردگارش، توجه اوست به سوی آن جناب از روی عبادت و اجتهاد و قربه الی الله عزوجل. آیا نمی بینی تأویلش غیر از تنزیل آن است» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۱۹). همان طور که امام علیه السلام در روایت نیز توضیح داده است ظاهر آیه اشاره به رفتن عادی دارد، اما روایت به معنای باطنی آن که فرامادی است و به رفتن معنوی که توجه از روی عبادت، اجتهاد و اخلاص است، اشاره می کند.

۷-۲. روایات بیانگر علت و حکمت آیات

در میان روایات، اندک روایاتی است که به ذکر حکمت و علت حکم آیات اشاره می کند که در این تفسیر ذیل یک آیه از سوره صافات، یک روایت آمده است. ذیل آیه ۸۸ و ۸۹ سوره صافات: «فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ، فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ؛ پس نظری به ستارگان افکند و گفت من کسالت دارم»، این روایت آمده است: «علی بن محمد رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَتَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ قَالَ: حَسَبَ فَرَأَى مَا يُحِلُّ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام فَقَالَ: إِنِّي سَقِيمٌ لِمَا يُحِلُّ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام؛ علی بن محمد در حدیثی مرفوع از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: حضرت ابراهیم علیه السلام محاسبه کرد و مصائب امام حسین علیه السلام را دید و به قوم خود فرمود: من به علت آنچه بر سر امام حسین علیه السلام می رود، بیمارم» (حویزی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴/۴۰۶). در این روایت، امام علیه السلام علت بیماری حضرت ابراهیم علیه السلام را اطلاع یافتن ایشان بر مصائب وارده بر امام حسین علیه السلام ذکر می کند.

۸. نتیجه گیری

در بررسی های انجام شده در روایات تفسیری آیات سوره صافات در تفسیر نورالثقلین، گونه های ناظر به ترسیم فضای نزول، بیان مصداق عام و خاص، شرح لغت، محتوای تفصیلی، بیانگر بطون آیات و بیانگر علت و حکمت آیه، روایاتی در تفسیر مذکور داشتند و برای گونه های عام و خاص، مطلق و مقید و ناسخ و منسوخ، ذیل آیات سوره صافات در تفسیر مذکور روایتی یافت

نشد. در این بررسی‌ها به دلیل محدودیت نوشتاری، تنها به ذکر چند نمونه روایت از هرگونه اکتفا شده است که چگونگی تحلیل گونه‌ها از این راه نشان داده شده و به فهم بهتر آیه کمک شایانی شده است. از مجموع روایات بررسی شده در مقاله حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «زقوم» در آیه «أَذَلِكْ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ، إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ» درختی است در جهنم که وسیله عذاب کافران است و برای آنها مهیا شده است؛

کفار قریش کسانی هستند که پس از بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ایشان کفر ورزیدند، درحالی‌که قبل از آن ادعا می‌کردند در این باره بندگان مخلص خواهند بود و خداوند آنها را به دلیل این کفرشان به عذاب دچار خواهد کرد: «وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ، لَوْ أَنَّنَا عِندَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ، لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ، فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»؛

- در روز قیامت از قطعات زمین و چهارپایان نیز سؤال می‌شود: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»؛
- از جمله مواردی که به صورت خاص در روز قیامت از آن سؤال می‌شود ولایت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام است: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»؛

- براساس روایات، انحصار دانش نجوم در دست دو خاندان عرب و هند است: «فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ»؛

- ذبح عظیم، گوسفند بهستی است که در ازای حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام فرستاده شد: «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ»؛

- آل یاسین، خاندان مطهر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است: «سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ»؛

- اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام از مصادیق خاص صافون و مسبحون هستند: «وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ. وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ»؛

- جحیم به معنای جهنم است: «فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ»؛

- واصب به عذاب دردآور همیشگی اطلاق می‌شود: «دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ»؛

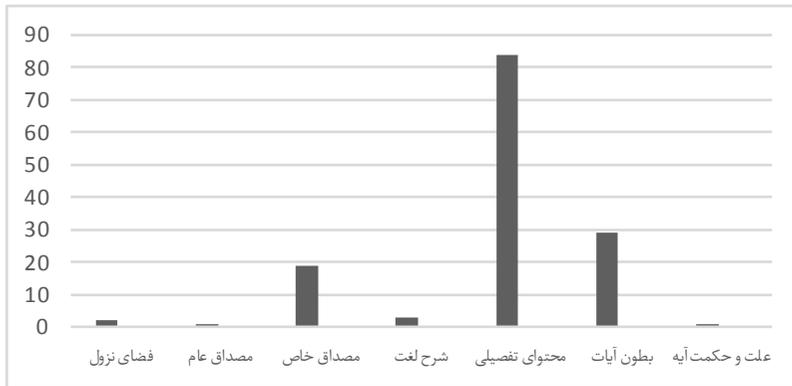
- سقیم در آیه «فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ» شک در دین است: «فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ»؛

-راه نجات حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَامُ تسبیح و اعتراف و توبه بود: «فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ. فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ»؛

-تدبیر، حکمت و علم خداوند دلیل ایجاد درخت کدو برای بازیابی ضعف و نقصان ایجاد شده در حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَامُ بود: «وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ»؛

-مقصود از «إِنِّي ذَاهِبٌ» توجه از روی عبادت، اجتهاد و قربه الی الله است: «وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ»؛

-علت بیماری حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ دانستن مصائب امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است: «فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ، فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ».



نمودار ۱: گونه‌شناسی روایات تفسیری سوره صافات در تفسیر نورالثقلین

فهرست منابع

- * قرآن حکیم (۱۳۸۷). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: مرکز طبع و نشر جمهوری اسلامی.
- ۱. اتابکی، پرویز (۱۳۹۱). فرهنگ جامع کاربردی قرآن. تهران: فرزانه روز.
- ۲. استادی، رضا (۱۳۸۳). آشنایی با تفاسیر. تهران: قدس.
- ۳. باقری، زهرا (۱۳۹۶). بررسی سندی، گونه‌شناسی و آموزه‌های روایات تفسیری آیه ۱ تا ۵۰ سوره مبارکه مؤمنون. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث. دانشکده الهیات و معارف. دانشگاه قم.
- ۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ه. ق.). تفسیر نورالثقلین. قم: اسماعیلیان.
- ۵. رازی، فخرالدین (۱۴۲۵-۱۴۲۶ ه. ق.). تفسیر فخررازی. بیروت: دارالفکر.
- ۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲). درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷-۱۳۸۸). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیری و علوم قرآن.
- ۸. سیدناری، طاهره سادات (تابستان ۱۳۹۷). پژوهشی نو در گونه‌شناسی مدال‌های روایات تفسیری و فواید آن. نشریه حدیث پژوهی، ۱۰(۱۹)، ۴۵-۷۶.

۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۱-۱۳۵۲). المیزان. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۰. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۱۱. غفاری، آمنه (۱۳۹۵). گونه‌شناسی و آموزه‌های هدایتی روایات تفسیری سوره فرقان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث. دانشکده الهیات و معارف دانشگاه قم.
۱۲. کارآزما ایگدر، زهرا (۱۳۹۸). گونه‌شناسی و بررسی سندی روایات تفسیری سوره واقعه و آموزه‌های هدایتی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث. دانشکده الهیات و معارف دانشگاه قم.
۱۳. معارف، مجید (۱۳۸۸). تاریخ عمومی حدیث. تهران: کبیر.
۱۴. معرفت، محمدهادی (۱۳۹۱). ترجمه التمهید فی علوم القرآن. مترجم: ایروانی، جواد. قم: ذوی القربی.
۱۵. معصومی، زینب (۱۳۹۵). گونه‌شناسی روایات تفسیری هود و آموزه‌های هدایتی آن. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث. دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مهریزی، مهدی (۱۳۸۹). روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت. نشریه علوم حدیث، ۱۵(۱)، ۴-۲۴.
۱۸. میناقی، عذرا (۱۳۹۰). گونه‌های روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام در حوزه تعیین مصداق. نشریه مطالعات قرآن و حدیث، ۲(۲)، ۲۷-۶۶.